

کتابچه آرایه های ادبی

پیش نیاز (۱)

دبیر آموزش ملی: معصومه گودرزی

جزوه کاربردی برای همه رشته ها
«دوره متوسطه ۲ و کنکور»



حرفی از سهراب به یاد است مرا

«جور دیگر باید دید، جور دیگر باید خواند»

اما نه؛

شاید امروز...

جور دیگر باید گفت...!

سخن امروز از دیدن و از خواندن نیست!

حرف امروز این است؛ شوق یک گفتن خوب و روان مثل آبِ

مثل شعر سهراب

تو فقط دل بده، دل

گوش دل را بسپار

به همین گفتن ناب...

شاید...

جور دیگر شاید...!



هدف از یادگیری آرایه های ادبی چیست؟ (چرا باید آرایه ها را یاد بگیریم؟)

هر علم و فنی که در زندگی به کار ما نیاید، فراگیری آن، تنها تلف کردن وقت است. بسیاری از صحبت های ما در طول روز برگرفته از آرایه های ادبی است که ناخودآگاه بر کلام ما جاری می شود. همه ما در زندگی روزمره با این علم سروکار داریم و اغلب بی آنکه بدانیم یا متوجه باشیم در صحبت ها و مکالمات خود از الفاظ و اصطلاحات فنون آرایه استفاده می کنیم؛ برای نمونه به تمامی ضرب المثل هایی که در مکالمات و روابط گفتاری با دیگران استفاده می کنید، تأمل کنید؛ همه این ها کنایه و جزء علم بیان هستند. یا مثلاً وقتی مادرتان به شما می گوید: «گلم!»، از استعاره بهره گرفته است.

آرایه های کلامی در ادب فارسی از جایگاه و ظرافت ویژه ای برخوردار است؛ هنر استفاده از آرایش های کلامی به ما کمک می کند تا بر جنبه های زیبایی و هنری بیان و گفتارمان افزوده شود و خیلی ساده بگوییم؛ وقتی بتوانیم از این هنر و صنعت های ادبی آن در کلام خود استفاده کنیم، کمترین حسن آن افزایش مخاطبان ماست؛ زیرا در دنیای امروزی فن بیان و سخنوری یکی از مهم ترین راه های کسب درآمد و تجارت است. لازمه یک تجارت معقول و پربار نحوه چگونگی برخورد با مخاطبان است؛ پس قبل از آن که از این علم به عنوان یک پیش نیاز درسی یاد کنیم، بهتر است ارتباط این فن را با زندگی اجتماعی خود دریابیم و در یک جمله کلام را خلاصه کنیم؛ «بیایید با آرایه ها بیشتر زندگی کنیم!»

برخی فواید این فن به شرح زیر است:

(۱) لذت ادبی

(۲) آموزش مفاهیم و قرابت های معنایی

(۳) کمک به تفهیم مطالب

(۴) کمک به شیوایی و زیبایی گفتار و افزایش قدرت فن بیان و...

آرایه های ادبی در دو بخش خلاصه می شوند: علم بیان و علم بدیع

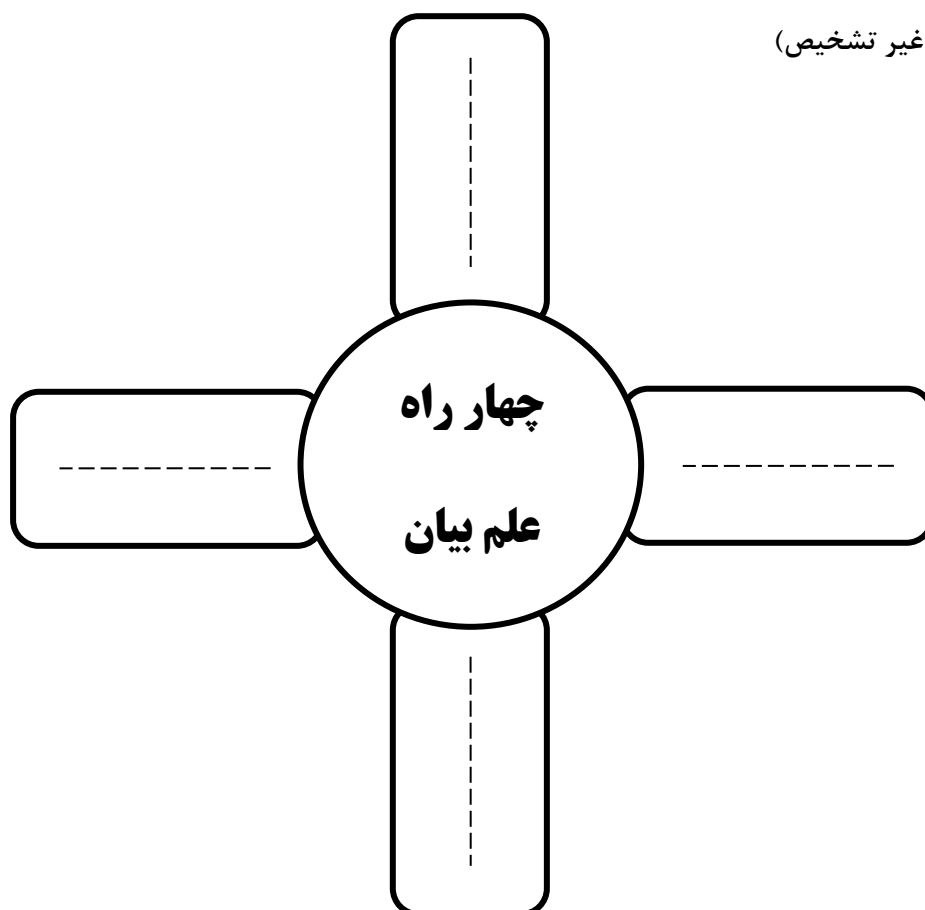
علم بیان: این علم از چهار بخش تشکیل شده است:

۱. تشبیه

۲. استعاره (تشخیص و غیر تشخیص)

۳. مجاز

۴. کنایه



الف) تشبیه

✓ تشبیه: مانند کردن چیزی یا کسی به پدیده ای دیگر تشبیه است که در آن حداکثر چهار رکن دریافت شود.

✓ چهار رکن تشبیه عبارت اند از:

وجه شبه	مشبه به	ادوات تشبیه	مشبه
بلند است	سرو	مثل	معشوق

(۱) مشبه: چیزی که تشبیه می شود.

(۲) مشبه به: چیزی که بدان تشبیه می کنند.

(۳) ادوات تشبیه: واژه هایی از قبیل: مثل، چون، مانند، به سان و... ادوات و ابزار تشبیه هستند.

(۴) وجه شبه: ویژگی مهم مشبه به که به مشبه نسبت داده می شود.

به خاطر بسپارید: استفاده از قالب تشبیه بهترین راه شناسایی استعاره از تشبیه است.



حالا طبق فیلم آموزشی، مرحله به مرحله مثلث تشبیه و استعاره را کامل کنید:

مثلث تشبیه و استعاره

تعریف آرایه

اسم آرایه

➤ نکته های مهم :

(۱) ادات تشبیه می تواند حرف یا فعل باشد.

(۲) خصوصیت وجه شبه را باید از «مشبه به» سراغ گرفت. همان گونه که می بینید، واژه های ادات راهنمایان خوبی برای یافتن و درست یافتن ارکان هستند؛ زیرا همیشه بعد از ادات، مشبه به داریم.

مثال: "هوا (مشبه) چون نگاه وحشتناک غار ها، حرکتی نداشت." یا "چون آینه جان (مشبه) نقش تو در دل بگرفته است."

در این مثال ها، مشبه کدام واژه است؟

می بینید که در برخی تشبیهات مشبه ابتدای جمله ظاهر نمی شود. اگر یافتن مشبه به را بر مشبه مقدم کنیم، کمتر به خطا می رویم.

نکته ای در پرانتز: (طرفین تشبیه کدامند؟ مجموعه دو رکن مشبه و مشبه به را «طرفین تشبیه» می نامند.)

این نکته را داشته باشید تا به استعاره برسیم.

جمع بندی ها را به خاطر بسپاریم: 

✓ تشبیه چهار رکن دارد که دو رکن آن از همه ارکان اهمیت بیشتری دارد. حضور چهار یا سه رکن به شرط وجود طرفین یا نهایتاً دو رکن (آن هم طرفین)

برای ساخت تشبیه لازم است. با این توصیفات کلاً پنج مدل تشبیه (سه تا گسترده و دو تا بلیغ و فشرده) در متون و زبان گفتار خواهیم داشت .

✓ دو شرط اساسی برای ساخت تشبیه (۱) خیال انگیزی (۲) حضور طرفین

سوالات تستی

(۱) کدام بیت فاقد «تشبیه» است؟

این نه هاله است که بر گرد قمر گردیده است

ساده لوحی که به خورشید تو را سنجیده است

گل بی درد به روی که دگر خندیده است؟

هر که را فکر سر زلف به هم پیچیده است

(۱) ماه از شرم عذار تو حصاری شده است

(۲) غافل از خال و خط و زلف و دهان تو شده است

(۳) شور مرغان چمن حوصله سوز است امروز

(۴) تا قیامت گر هوش باز نگردد چون خال

۲) «وجه شبه» در کدام بیت محذوف است؟

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) مه چه باشد که به روی تو برابر کنم | یا ز رخسار تو گویم که به جایی ماند |
| ۲) نگویمت به تو می ماند از عزیزی، عمر | که عمر اگر چه عزیز است هم، نمی ماند |
| ۳) خواهم سر خود گوی صفت باخت ولیکن | شرط است بدین سر که به چوگان تو باشد |
| ۴) تیر مژگان تو از جوشن جان می گذرد | بر دل من مزن ای جان! که تویی در دل من |

انواع تشبیه:

۱) تشبیه گسترده (کامل)

۲) تشبیه فشرده (بلیغ)

۱) تشبیه گسترده (کامل): ذکر چهار یا سه رکن تشبیه به شرط وجود طرفین که سه حالت برای آن ایجاد می کند (به عبارت ساده تر با این تعریف سه مدل تشبیه کامل یا گسترده به شرح زیر خواهیم داشت):

الف) هر چهار رکن را داشته باشد؛ مثال: "دل من مثل دریا، بزرگ است."

ب) علاوه بر طرفین تشبیه، ادات تشبیه را هم داشته باشد؛ مثال: "دل من چون دریاست."

ج) علاوه بر طرفین تشبیه، وجه شبه را نیز داشته باشد؛ مثال: "دل من دریایی است در بزرگی."

مثال برای تشبیه گسترده:

- دانا چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرنمای.
- تو هم چون گل زخندیدن لب با هم نمی آید.
- صد هزاران دام و دانه است ای خدا
- گرت ز دست برآید چو نخل باش، کریم.
- این زبان چون سنگ و هم آهن وش است
- و آنچه بجهد از زبان، چون آتش است
- زندگی آتشگهی دیرینه پا بر جاست

۲) تشبیه فشرده (بلیغ): هرگاه تنها طرفین تشبیه را ذکر کنیم، تشبیه بلیغ خواهیم داشت؛ (پس با این تعریف دو حالت بیشتر برای تشبیه بلیغ وجود نخواهد داشت)

۱) فشرده اسنادی (تشبیه بلیغ غیر اضافی) (مشبه، مشبه به است) مثال: دل، دریا است. (فعل اسنادی)

۲) فشرده اضافی (تشبیه بلیغ غیر اسنادی): که خود دو حالت دارد؛

الف) حالت اول: (مشبه به - مشبه) مثال: دریا ی دل (اضافه تشبیهی) یا لعل لب (این حالت بیشتر از حالت دوم در شعر ها و متون فارسی است)

ب) حالت دوم: (مشبه - مشبه به) که این حالت کمتر اتفاق می افتد؛ لب لعل (لب مثل لعل) (این حالت کمتر از حالت اول است)

✓ به خاطر بسپارید: تکنیک تشخیص تشبیه فشرده (بلیغ) اضافی

- دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
- تا کیمیای عشق، بیابی و زر شوی
- آتش خشم، اول در خداوند خشم افتد؛ پس آن گه زبانه به خصم رسد یا نرسد

✓ به خاطر بسپارید: تکنیک تشخیص تشبیه فشرده (بلیغ) اسنادی

- مادری دارم بهتر از برگ درخت
- دوستانی بهتر از آب روان
- تلمیذ بی ارادت عاشق بی زر است
- و رونده بی معرفت مرغ بی پر

سوالات تستی

۳) کدام بیت دارای «تشبیه» فشرده است؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱) با خیال روی و مویش غرق نور و ظلمتم | کو نظر بازی که سیر صبح و شام من کند |
| ۲) قامتی دیدم که می گوید، گه برخاستن: | «کو قیامت تا تماشای قیام من کند؟» |
| ۳) گر به جنت هم نشین با ابلهان باید شدن | کاش دوزخ را خدا یک جا مقام من کند |
| ۴) گوهر شهوار شد نظم گهر بارم ولی | شاه می باید که تحسین کلام من کند |

۴) کدام بیت فاقد «تشبیه» است؟

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) خم آن طره مشکین و دل مسکینم | مثل شهر شاهین و کبوتر باشد |
| ۲) فالی بزن ای دل ز پی دولت وصلش | باشد که خود این قرعه به اقبال تو افتد |
| ۳) آن کار که جز دادن جان چاره ندارد | کاری است که با غمزه قتال تو افتد |
| ۴) هرسر که به سودای خط و خال تو افتد | چون سایه همه عمر به دنبال تو افتد |

۵) در کدام بیت همه ارکان «تشبیه» یافت می شود؟

- | | |
|---------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) قَدْ هَمَّه دَلْبِران عَالَم | پیش الف قَدَت چو نون باد |
| ۲) نی مپندار که حرفی به زبان آرم اگر | تا به سینه چو قلم باز شکافند سرم |
| ۳) کردم اندیشه که آن روز کجا دانم رفت | گر بیابم ز کمند سر زلف تو نجات |
| ۴) تو سرو جویباری، تو لاله بهاری | تو یار غمگساری، تو حور دلربایی |

۶) در کدام گزینه هر دو «ترکیب تشبیهی» است؟

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| ۱) باغ لطیف - موسم ربیع | ۲) چاه ظلمت - کلاه شکوفه |
| ۳) مسلخ عشق - نگاه آسمان | ۴) گوهر دانش - شمع رخشان |

پایان تشبیه

ب) استعاره:



استعاره: در لغت به معنای «به عاریت گرفتن» است؛ اما در اصطلاح ادبی «حذف یکی از طرفین تشبیه یا ذکر یکی از طرفین تشبیه» است؛ حال این که کدام طرف تشبیه حذف یا ذکر شود، نام و نوع استعاره متفاوت خواهد شد.

➤ به تعبیر ساده من، با توجه به این که قبلاً اشاره کردیم، استعاره فرزند تشبیه است؛ فرض کنیم بین تشبیه و استعاره مرزی وجود دارد. در قلمرو تشبیه حداقل ارکان لازم برای ساخت یک تشبیه، «طرفین» یعنی مشبه و مشبه به است. حالا اگر یکی از طرفین از مرز تشبیه بگذرد، به قلمرو استعاره می رسد؛ پس استعاره با یک رکن، آن هم یکی از طرفین (مشبه یا مشبه به) ساخته می شود؛ به همین سادگی!

مثل: عشق چون آتش مرا سوزانده است. (تشبیه) / آتش به جانم افتاده است (ذکر مشبه به) (استعاره)

انواع استعاره:

۱) استعاره مصرّحه

۲) استعاره مکنیه

۱) استعاره مصرّحه: هرگاه از ارکان تشبیه یا طرفین تشبیه تنها مشبه به را ذکر کنیم، استعاره، مصرّحه خواهد بود؛

مثل: علی مثل شیر شجاع است. (تشبیه) / شیر آمد. (ذکر «مشبه به» به تنهایی)

👁️ یک نکته مهم و گفتنی: این نوع استعاره (مصرّحه) یکی از انواع مجاز را می سازد. البته هنوز ما به درس مجاز نرسیده ایم؛ زمانی که مجاز را توضیح خواهیم داد، ملتفت خواهید شد، که مجاز کلیه هایی برای شناسایی دارد که به آن علاقه می گویند؛ از میان هفت علاقه، یکی کلید شباهت است که مبنای شناسایی و نوع علاقه آن است، بنابراین حالا می توان به این عبارت کلیدی «استعاره پلی است میان

تشبیه و مجاز» ایمان آورد... این بحث را اینجا بندیدیم تا در مجاز بیشتر در مورد آن حرف بزنیم... چرا که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد...

۲) **استعاره مکنیه:** نقطه مقابل استعاره مصرحه است؛ یعنی ذکر مشبه است؛ اما چون نمی توان مشبه را به تنهایی به کار برد، باید برای راهنمایی مخاطب یکی از ویژگی ها یا لوازم یا اجزای مشبه به را در کنار مشبه ذکر نمود؛ مثلاً می توان ترکیب اضافی «یال علی» را استعاره مکنیه در نظر گرفت؛ زیرا یال از اجزای شیر (مشبه به) است که به همراه علی (مشبه) برای راهنمایی مخاطب آمده است. یا در ترکیب اضافی «خنده آسمان» (آسمان مثل انسانی است که خنده از ویژگی های اوست)

اشکال استعاره مکنیه در متون و اشعار ادبی: استعاره مکنیه به دو شکل در متون و زبان گفتار ظاهر می شود:

۱- در قالب «جمله» مثل: «درخت می گرید.» یا «باد، بر پنجره ها می کوبید.»

۲- در قالب «ترکیب اضافی» (اضافه استعاری) مثل: «گریه درخت»، «دست مرگ»

بازگردانی استعاره به قالب تشبیه: اشاره کردم که استعاره از دل تشبیه متولد می شود؛ ساده تر بگویم استعاره در هر دو حال زیر مجموعه تشبیه است! پس بی جانیت، اگر بگوییم: تشبیه مادر استعاره است؛ زیرا برای دریافت استعاره ها باید بتوانیم آن ها را در قالب تشبیه وارد کنیم و اصلاً برای دریافت و شناسایی استعاره باید بتوان آن را در قالب تشبیه جا سازی کرد؛ در غیر این صورت باید به آن استعاره مشکوک بود.

انواع استعاره مکنیه:

استعاره مکنیه انواعی دارد: الف) تشخیص ب) غیر تشخیص

 به خاطر بسپارید؛ زمانی که استعاره را در قالب تشبیه بررسی می کنید،

الف) اگر مشبه به، انسان باشد، آن، علاوه بر استعاره، تشخیص هم هست (جان بخشی)

مثال: قلب زمین: زمین به انسانی تشبیه شده است (مشبه به انسان است: تشخیص و استعاره)

ب) اگر مشبه به، غیر انسان است، استعاره، غیر تشخیص خواهد بود.

 حالا با هم گشتی توی متون و شعرها بزنیم!

میوه عرفان: عرفان به درختی تشبیه شده است (پس مشبه به غیر انسان است: غیر تشخیص و استعاره)

حسن لرزید که صاحب نظری پیدا شد

خودگری، خود شکنی، خود نگری پیدا شد

حذر ای پردگیان! پرده دری پیدا شد

چشم وا کرد و جهان دگری پیدا شد

تا از این گنبد دیرینه دری پیدا شد

نعره زد عشق که خونین جگری پیدا شد

فطرت آشفست که از خاک جهان مجبور

خبری رفت زگردون به شبستان ازل

آرزو بی خبر از خویش به آغوش حیات

زندگی گفت که در خاک تپیدم همه عمر

اشکال علمی بزرگ کنکوری ها: اینو کجای دلمون بذاریم ☹️ تفاوت اضافه استعاری با اضافه تشبیهی:

بیشتر دانش آموزان تفاوت این دو نوع اضافه (تشبیهی - استعاری) را مبهم می آموزند و یا سطحی متوجه می شوند؛ به گونه ای که در تشخیص آن هنگام حل تست و بررسی اشعار و متون باز می مانند.

باز از راه تشبیه می توان به این تفاوت پی برد؛

تشبیه زمینه هردو نوع اضافه است؛ با این تفاوت که در تشبیه **بلیغ اضافی** یا **اضافه تشبیهی**، نوع تشبیه **مستقیم** است و در **اضافه استعاری** تشبیه **غیر مستقیم** است.

با یک مثال پیش برویم؛

"خانه عشق" یک اضافه تشبیهی است؛ زیرا در آن عشق مستقیم به خانه تشبیه شده است، اما **پنجره عشق** یک اضافه استعاری است؛ زیرا در این ترکیب، عشق به خانه ای تشبیه شده است که پنجره از لوازم آن است و می بینید که عشق به واسطه خانه به پنجره تشبیه شده است.

برای تشخیص این دو از هم چند بار این نکات کلیدی را مرور کنید تا مسیر درست را بیابید.

نکته کلیدی (۱) برای دریافت استعاره درست حتماً آن را در قالب تشبیه قرار دهید.

خانه عشق (اضافه تشبیهی) پنجره عشق (اضافه استعاری)

نکته کلیدی (۲) به حرف ربط «که» توجه کنید.

دریای دانش از گفت در جان من لبریز کن صهبای عشق از جام خود در کام من سرریز کن

قطره دانش که بخشیدی ز پیش

متصل گردان به دریاهاى خویش

نکته کلیدی (۳) رابطه تشخیص با استعاره مکنیه را به خاطر بسپارید.

هر استعاره ای که در قالب تشبیه می نشیند، اگر در جای مشبه به آن «انسان» باشد، تشخیص هم هست!

دست زمین (استعاره و تشخیص)

ولی اگر جای مشبه به آن «غیر انسان» باشد، غیر تشخیص است.

میوه دانش (استعاره)

حالا به مثال های زیر توجه کنید و با همان روش اضافه های تشبیهی را از اضافه های استعاری تشخیص دهید. (یادتون نرفته که باید همه را در قالب تشبیه بگذارین!)

..... - نگاه مرگ - درخت نیکی - شاخه های امید - قلب زمین

..... - خورشید معرفت - دریای مردانگی - بازوی کوه - چشم زمین



جمع بندی ها را به خاطر بسپاریم:

✓ از تشبیه به استعاره می رسمیم و از آن جایی که رفته رفته از تعداد ارکان کاسته شده است، کلام ما رسا تر و بلیغ تر می شود و از این به بعد نیز از تعداد ارکان باز هم کاسته خواهد شد و شاعر یا نویسنده، برای ظرافت و تنوع بیان زیبایی از واژه های کمتری بهره می گیرد؛ به همین دلیل است که تشبیه بلیغ رسا تر و زیباتر از تشبیه کامل و استعاره از هر دوی آنها رسا تر و بلیغ تر و هنری تر است؛ خوب است هرزگاهی با خودمان تکرار کنیم و بیشتر به خاطر بسپاریم که تشبیه مادر استعاره و استعاره فرزند تشبیه است.

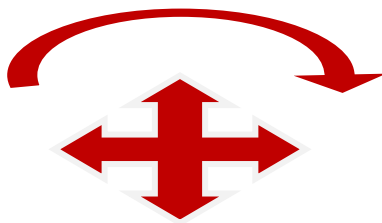
تکنیک تشخیص انواع استعاره ها در متون و اشعار

✓ آن ها را در قالب تشبیه بگذارید؛ مثال: «بال اندیشه»؛ اندیشه به پرندگی تشبیه شده است که بال از اجزای اوست.

وجه شبه	مشبه به	ادات تشبیه	مشبه
بال دارد	پرنده ای که	مثل	اندیشه

و دقیقاً همین رابطه های خاص هست که باعث می شود، کلام استعاری، از بیان تشبیهی، شناسایی و در ذهن ما ماندگار شود و ما زیبا و به عبارتی «از آب در آمده» صحبت کنیم.

مروری کلی تر:



✓ تشبیه مادر استعاره و استعاره فرزند تشبیه است.

✓ استعاره پلی میان تشبیه و مجاز است.

✓ استعاره مصرّحه یک کلمه است. (مشبه به) ولی، مکنیه (مشبه به همراه یکی از ویژگی ها، لوازم و اجزای مشبه به) به دو حالت اضافی (اضافه استعاری) و جمله در متون ظاهر می شود.

✓ استعاره مکنیه نیز انواعی دارد که باز، با نهادن در قالب تشبیه شناسایی می شود. تشخیص (مشبه به، انسان) و غیر تشخیص (مشبه به، غیر انسان)

✓ تشخیص یا شخصیت بخشی (Personification) و یا آدم نمایی، نوعی استعاره است؛ پس هر تشخیصی استعاره است، اما هر استعاره ای تشخیص نیست.

سوالات تستی



۱) در کدام بیت «استعاره مکنیه» و «استعاره مصرّحه»، هر دو وجود دارد؟

- | | |
|--|--|
| ۱) صبحدم چون گل به شکر خنده بگشاید دهن | از خروش و ناله مرغ سحر خوان چاره نیست |
| ۲) پیش رویش ز آتش دل سوختم پروانه وار | زان که شمعی چون رخس در مجلس اصحاب نیست |
| ۳) چون گل صد برگ بزم خسروانی ساز کرد | بلبل خوش نغمه آهنگ هزار آوا گرفت |
| ۴) ابر را بنگر که لاف درفشانی می زند | بس که از چشمم به دامن لؤلؤی لالا گرفت |